

Medical Ethics and Law  
Research Center

# Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2022; 14(47): e27

Shahid Beheshti  
University of Medical Sciences

## The Role of Al-Ebad Family in the Flourishing of Medical Knowledge in the Golden Age of Islamic Civilization

Reza Dashti<sup>1</sup>

1. Department of History of Islamic Civilization, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** In the golden age of Islamic civilization and under the scientific movement of the Islamic world, great physicians arose. A number of medical celebrities of that era were members of the al-Abad Christian family, whose valuable services and works in medical sciences and other sciences undoubtedly had a tremendous impact on Islamic lands and even Europe. The purpose of this study is to introduce the physicians of that family and review their services to medical knowledge in Islamic civilization. Although domestic and foreign researchers have done research on some of the famous members of this family so far, the present study can in turn obvious some of the researchers' mental unknowns about this family.

**Methods:** This research has been done with a historical approach based on collecting information in a library manner. The research method of this article is descriptive-analytical in such a way that after filing historical sources and references, content has been classified, data analyzed and the article has been written.

**Ethical Considerations:** In the current research, the ethical aspects of library study, including the authenticity of texts, honesty and trustworthiness, have been observed.

**Results:** Studies show that medical knowledge has a high status among the Al-Ebad family. Abu Ishaq, the elder of the Al-Abad family, was engaged in the profession of pharmacy and medicine by establishing a pharmacy and a medical center in the city of Hirah. By encouraging his children and grandchildren to continue in this profession, he has encouraged them to practice pharmacy, study medicine and compile and translate medical works.

**Conclusion:** The results of the research show that from the womb of al-Ebad family, prominent physicians have emerged who have important characteristics and advantages such as mastery of Greek, Syriac, Arabic and Persian languages, interested in research, writing, translation and practical experiments in medicine have been. Most of the doctors of the Al-Ebad family were proficient in general medical knowledge and were also skilled in ophthalmology and usually followed medical ethics.

**Keywords:** Al-Ebad; Hanin Ibn Ishaq; Medicine; Islamic Civilization

**Corresponding Author:** Reza Dashti; **Email:** [dashti.r2012@yahoo.com](mailto:dashti.r2012@yahoo.com)

**Received:** February 19, 2022; **Accepted:** July 09, 2022; **Published Online:** October 19, 2022

### Please cite this article as:

Dashti R. The Role of Al-Ebad Family in the Flourishing of Medical Knowledge in the Golden Age of Islamic Civilization. *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2022; 14(47): e27.



## مجله تاریخ پزشکی

دوره چهاردهم، شماره چهل و هفتم، ۱۴۰۱



# نقش خاندان آل عباد در شکوفایی دانش پزشکی در عصر زرین تمدن اسلامی

رضا دشتی<sup>1</sup>

۱. گروه تاریخ تمدن ملل اسلامی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** در عصر زرین تمدن اسلامی و در ذیل نهضت علمی جهان اسلام، پزشکان بزرگی برخاستند. تعدادی از نامداران پزشکی آن عصر، از اعضای خاندان مسیحی آل عباد بودند که بی‌تردید خدمات و آثار ارزشمند آنان در علوم پزشکی و سایر دانش‌ها در سرزمین‌های اسلامی و حتی اروپا تأثیر شگرفی برجای گذاشته است. هدف این پژوهش معرفی پزشکان آن خاندان و بررسی خدمات آنان به دانش پزشکی در تمدن اسلامی است، هرچند تاکنون محققین داخلی و خارجی تحقیقاتی درباره بعضی از نامداران این خاندان انجام داده‌اند، پژوهش حاضر نیز می‌تواند به نوبه خود برخی از مجهولات ذهنی محققین درباره این خاندان را آشکار سازد.

**روش:** این پژوهش با نگرش تاریخی مبتنی بر گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای انجام گردیده است. روش تحقیق این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی است، این‌گونه که پس از فیش‌برداری منابع و مأخذ تاریخی به دسته‌بندی مطالب، تحلیل داده‌ها و نگارش مقاله اقدام شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** بررسی‌ها نشان می‌دهد که دانش پزشکی در میان خاندان آل عباد از جایگاه والایی برخوردار بوده است. ابواسحق بزرگ خاندان آل عباد در شهر حیره با تأسیس داروخانه و دارالطب به حرفه داروسازی و طبابت اشتغال داشت و با تشویق فرزندان و نوادگانش به ادامه این حرفه، آنان را به انجام فعالیت داروسازی، تحصیل علم پزشکی و تألیف و ترجمه آثار پزشکی تشویق و ترغیب می‌نموده است.

**نتیجه‌گیری:** نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از بطن خاندان آل عباد، پزشکان برجسته‌ای برخاسته‌اند که دارای ویژگی‌ها و امتیازات مهمی از جمله تسلط به زبان‌های یونانی، سریانی، عربی و فارسی، علاقمند به پژوهش، تألیف، ترجمه و آزمایش‌های عملی در پزشکی بوده‌اند. اکثر پزشکان خاندان آل عباد در دانش عمومی پزشکی تبحر داشتند و در چشم‌پزشکی نیز حاذق بوده و معمولاً اخلاق پزشکی را نیز رعایت می‌نموده‌اند.

**واژگان کلیدی:** آل عباد؛ حنین بن اسحاق؛ پزشکی؛ تمدن اسلامی

نویسنده مسئول: رضا دشتی؛ پست الکترونیک: [dashti.r2012@yahoo.com](mailto:dashti.r2012@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Dashti R. The Role of Al-Ebad Family in the Flourishing of Medical Knowledge in the Golden Age of Islamic Civilization. *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., *Medical History*. 2022; 14(47): e27.

## مقدمه

از مهم‌ترین رخدادهای تاریخی که در شکل‌گیری و حرکت رو به رشد تمدن اسلامی تأثیر به‌سزایی داشت، نهضت علمی جهان اسلام است که از جمله ویژگی‌های برجسته و دستاوردهای ممتاز این نهضت، تحقیق، توسعه و پیشرفت در دانش پزشکی و علوم مرتبط با آن است که این مهم خود زمینه‌ساز عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است. در این عصر در سرزمین‌های پهناور اسلامی و در ذیل نهضت علمی جهان اسلام، پزشکان بزرگی برخاستند که بی‌تردید خدمات و آثار ارزشمند این پزشکان نامدار در علوم پزشکی و سایر علوم و فنون در سرزمین‌های اسلامی و حتی اروپا تأثیر شگرفی برجای گذاشته است.

یکی از ویژگی‌های عصر نهضت علمی در تمدن اسلامی انحصار علم و فن ترجمه در دست خاندان‌های مشهور بود و این انحصار در علم پزشکی بیش از سایر علوم بوده است (۱). به گواه آمار و اطلاعات منابع، در قرن سوم قمری سیزده پزشک مسیحی، سه پزشک یهودی، سه پزشک مشرک و پنج پزشک مسلمان در دربار خلفای عباسی حضور داشته‌اند که اکثراً به صورت موروثی و خاندانی به پزشکی و علوم مرتبط مشغول بودند، از جمله خاندان بختیشوع نصرانی که حرفه پزشکی در میان اعضای این خاندان تا نسل‌ها برقرار بوده است (۲). علیرغم این انحصار که خود تبعات منفی به همراه داشته است، در پرتو علاقمندی بعضی از خلفای مسلمان به پیشرفت‌های علمی و همزمانی آن با پیدایش نهضت ترجمه در اسلام، بعضی از خاندان‌های غیر مسلمان بیش از دیگران به دانش پزشکی علاقه نشان دادند و توانستند با تلاش و جدیت و در پرتو حمایت خلفای عباسی از آنان، خدمات شایانی به دانش پزشکی و علوم مرتبط با آن نمایند.

یکی از خاندان‌های مشهور در علم پزشکی در تمدن اسلامی، خاندان آل عباد (لازم به توضیح است که این خاندان مسیحی مذهب هیچ‌گونه ارتباطی با صاحب بن عبّاد ادیب و دانشمند متأخر شیعی عصر آل بویه ندارد) بود که چندین نفر از این خاندان جزوه پزشکان معروف و نامدار قرون سوم قمری بودند

که خدمات ارزشمندی در حوزه‌های مختلف علمی، به ویژه در علوم پزشکی و تألیف و ترجمه آثار پزشکی از زبان‌های یونان و سریانی ارائه نمودند و به انتشار دانش عمومی بهداشت و علم پزشکی کمک شایانی کردند. معرفی پزشکان نامدار خاندان آل عباد و بررسی چگونگی و گستره خدمات آنان به دانش پزشکی در تمدن اسلامی، مهم‌ترین دغدغه پژوهش حاضر است.

از خاندان آل عباد نوابی مانند حنین بن اسحاق عبادی و پسرانش اسحاق بن حنین و داود بن حنین و خواهرزاده‌اش حبیب بن حسن أعمس و همچنین حکیم بن حنین و دیگرانی برخاستند. این بزرگان از طریق خدمات پزشکی خود و همچنین تألیفات کتاب در حوزه‌های پزشکی و ترجمه آثار مختلف علمی که از کتاب‌های علمی سایر ملل انجام داده‌اند، به گسترش مرزهای دانش هم در قلمرو دانش پزشکی و هم سایر علوم کمک مؤثری نمودند.

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که هرچند تاکنون محققین ایرانی در مقالات خود به صورت تک‌نگاری به بعضی از نامداران خاندان عبادی مثل حنین بن اسحاق و به ویژه یکی از پسرانش به نام اسحاق بن حنین پرداخته‌اند، از جمله سیداحمد هاشمی در دو مقاله «مدرسه ترجمه حنین بن اسحاق» (۱۳۸۴ ش.) و «آرا و آثار حنین بن اسحاق» (۱۳۸۵ ش.)، فرشید امینی در دو مقاله مقاله «اسحاق بن حنین» (۱۳۸۸ ش.) و «حنین بن اسحاق» (۱۳۸۹ ش.) و اصغر منتظرالقائم، مصطفی نجاران و بدرالسادات علیزاده مقدم (۱۴۰۰ ش.) در مقاله «نقش و جایگاه حنین بن اسحاق و ابن سینا در تکامل دانش چشم‌پزشکی» پیرامون این دو پزشک از خاندان آل عباد پژوهش نموده‌اند و اطلاعات ارزشمندی را پیرامون این پدر و پسر پزشک ارائه نموده‌اند و محققین عرب نیز مانند سمیر خلیل سمیر الیسوعی (۱۹۹۷ م.) در مقاله «حنین بن إسحق فی کیفیه إدراک حقیقه الدیانه»، فؤاد یوسف قزانجی (۲۰۰۵ م.) در مقاله «الکتب المحققه من مصنفات و ترجمات العالم الحکیم حنین بن إسحق» و احمد عبدالحلیم عطیه (۲۰۰۸ م.) در مقاله «العرب و الدراسات البلیوجرافیة و البیوبلیوجرافیة: جهود حنین بن إسحق» و قاسم

## روش

روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی مبتنی بر گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای با استفاده از هم منابع و مآخذ دست اول و هم تحقیقات تاریخی است که پس از فیش‌برداری داده‌ها و اطلاعات تاریخی آنان، به دسته‌بندی مطالب، تحلیل داده‌ها و نگارش مقاله اقدام شده است.

## یافته‌ها

بررسی‌ها نشان می‌دهد که دانش پزشکی در میان خاندان آل عباد از جایگاه والایی برخوردار بوده است، به گونه‌ای که خاندان آل عباد و در رأس آن‌ها اسحق عبادی ضمن تأسیس داروخانه و دارالطب در حیره، با تشویق فرزندش حنین بن اسحق و فرزندزادگان و حتی دیگر علاقمندان به تحصیل علوم پزشکی و تألیف و ترجمه متون پزشکی، ضمن ارائه خدمت به مردم، دانش پزشکی را در عصر زرین تمدن اسلامی ارتقا دادند و این خاندان برای مدت بیش از یک قرن جزء نامداران حرفه و دانش پزشکی در تمدن اسلامی بودند.

## بحث

۱. **خاندان آل عباد و پیشینه آنان در علوم پزشکی شهر حیره:** حیره یکی از شهرهای قدیم بین‌النهرین بود که در یک فرسخی شهر کوفه در عراق قرار داشته است. نام حیره از ریشه‌ای آرامی به معنی اردوگاه خیمه‌گاهی است، تاریخ تأسیس آن مشخص نیست، اما همین قدر معلوم است که در قرن پنجم میلادی اسقف‌نشین مسیحی بوده است (۳). حیره توسط شاپور اول ساسانی ساخته شد، این شهر پایتخت ملوک لخمی بود که خود دست‌نشانده و مطیع پادشاهان ساسانی بودند (۴). حیره از مراکز مهم فرهنگی اعراب هم بوده و برای مثال از این شهرساز ایرانی برپت به دنیای عرب معرفی گردیده است (۵).

حیره با آثار فراوان معماری مثل کاخ خورنق، کلیساهای بزرگ و بناهای گران‌قیمت و تأسیسات شهری همچنان تا سال ۱۲ ق. / ۶۳۳ م. آباد بود و نقش عمده‌ای در ساختن تمدن بشری

محمد محمود (۲۰۰۹ م.) در مقاله «خصائص مدرسه حنین بن اسحق فی الترجمة» به بررسی زندگی، درک حنین بن اسحاق از دین، آثار، تألیفات و ترجمه و خدمات حنین بن اسحق و فرزندانش در نهضت ترجمه پرداخته‌اند، اما پژوهش‌های یادشده تنها به صورت تک‌نگاری و موضوعی به بعضی از نامداران خاندان عبادی مثل حنین بن اسحاق و یا اسحاق بن حنین و به برخی از تألیفات و خدمات علمی آنان، اشاره‌ای نموده‌اند، در حالی که در تحقیق و پژوهش حاضر ضمن استفاده از دیدگاه ارزشمند نویسندگان متقدم و محققین متأخر و عدم اصرار بر اصیل بودن، سعی شده تا ضمن کامل‌نمودن تحقیقات پیشین، معرفی کاملی از نامداران پزشکی خاندان آل عباد ارائه و نقش آنان را در شکوفایی دانش پزشکی در عصر زرین تمدن اسلامی تبیین نماید.

هدف از انجام این تحقیق شناسایی و معرفی کامل پزشکان نامدار خاندان آل عباد و بررسی نقش آنان در انتشار دانش عمومی بهداشت و علم پزشکی و سایر اقدامات آنان در گسترش مرزهای دانش پزشکی در تمدن اسلامی است، به نحوی که راهگشای پژوهشگران و علاقمندان به تاریخ علوم پزشکی باشد.

اهمیت انتخاب این موضوع در این است که علاقمندان علم و دانش دریابند در زمانی که فراگیری علم و دانش عمومیت نداشت، ابتدا خاندان‌هایی که عموماً هم از غیر مسلمانان بودند، بصورت خانوادگی و نسل در نسل به فراگیری علم و دانش به ویژه در حوزه دانش پزشکی اقدام می‌نمودند. یکی از این خاندان‌های مشهور که پزشکان نامداری را به جامعه بشریت تقدیم کرد خاندان آل عباد بود که پزشکان آن خاندان خدمات ارزشمندی به جامعه مسلمانان و گسترش مرزهای علم در عصر زرین تمدن اسلامی نمودند، لذا شناخت نامداران این خاندان و نقش آنان در حوزه علوم پزشکی می‌تواند به علاقمندان حوزه تاریخ علوم پزشکی در شناخت سیر تطور دانش پزشکی در اسلام کمک نماید.

هرچند که هیچ گزارش تاریخی مبنی بر وجود پزشکانی حاذق و مشهور در حیره در اوایل دوره اسلامی در دست نیست، اما منطق حکم می‌کند که احتمالاً پزشکانی از ایرانیان، رومیان و یا از خود اهالی حیره در این شهر وجود داشته و می‌زیسته‌اند، چراکه بر اساس گفته منابع، ابوحنین (اسحق عبادی) داروساز بوده است. بنابراین یا باید او زیر نظر پزشک یا پزشکانی کار می‌کرده است و یا او خودش بیماران را معاینه می‌کرد و سپس داروهایی را برای آنان تجویز، تهیه و ارائه می‌کرد که در صورت دوم طبیب مورد نظر در شهر حیره خود او بوده است و پس از او پسرش حنین که علاقمند به علم پزشکی بود، جایگزین او شده است. یوسف حبی یکی دیگر از محققین معاصر عرب در کتاب خود به نام «حنین بن اسحاق» معتقد است که حنین بن اسحاق اصول اولیه علوم پزشکی را ابتدا در شهر حیره و در نزد پدرش آموخت و سپس علوم پزشکی را در مدرسه جندی شاپور تحصیل کرد و پس آن، این علم و حرفه را در حیره گسترش داده است، او معتقد است که در شهر حیره همزمان با ایران علوم پزشکی دارای رونق بوده است (۹).

بنابراین به نظر می‌رسد که شهر حیره که در فاصله نه چندان دوری از جندی‌شاپور قرار داشت، تحت تأثیر آنجا از پزشکانی که هم از جندی‌شاپور برای طبابت به حیره رفته بودند و هم از پزشکانی بومی که تحصیل کرده جندی‌شاپور و ساکن حیره بوده‌اند، برخوردار بوده است. شاید اسحق عبادی پدر حنین هم یکی از همین پزشکان و داروسازان بوده است.

**۲. پزشکان نامدار خاندان آل عباد و نقش آنان در شکوفایی دانش پزشکی در تمدن اسلامی:** همانطور که اشاره گردید، در رأس پزشکان خاندان عبادی، اسحق عبادی پدر حنین بن اسحق بود که علیرغم شغل اکثر اقوام و بستگانش که صرافی بود، او به داروسازی (۷) و طبابت اشتغال داشت (۹-۸)، اسحاق عبادی پدر حنین، هرچند که در تاریخ علوم پزشکی دوره اسلامی نامدار نیست، ولی او کسی است که از طریق داروسازی و طبابت، نقش مهمی در گرایش فرزندش حنین و نوه‌هایش اسحاق، داوود، حبیش بن اعسم و همچنین دانشجویان آن‌ها به علوم پزشکی، داشته است (۸). در واقع

به طور کلی و در ساختن تمدن بین‌النهرین به طور خاص ایفا می‌کرد و عموم ساکنانش مسیحی بودند. به نظر می‌رسد که افول حیره ناشی از تأسیس شهر کوفه در سال ۱۷ ق. / ۶۳۸ م. در شمال آن بوده باشد، چراکه از آن پس اجزای بناهای حیره کم‌کم به امارت‌های نوبنیاد کوفه رونق بخشیدند و از آبادانی شهر حیره کاسته شد و به تدریج ستاره اقبال شهر حیره به افول گرایید.

ساکنان مسیحی شهر حیره را عباد می‌خواندند، در اینکه اصل واژه عباد چیست و این واژه از کجا آمده است، سخنان بسیاری گفته شده که اغلب خالی از افسانه نیست. اکثر مسیحیان این شهر پیرو آیین نسطوری بودند. برخی از محققین دلیل گسترش آیین نسطوری در میان اهالی حیره را، حمایت دربار ساسانی از ایشان عنوان کرده‌اند (۶). بزرگ خاندان عبادی، اسحق عبادی پدر حنین بن اسحق بود که از قبایل عرب عباد ساکن در شهر حیره بود. قفطی در کتاب تاریخ الحکما اشاره می‌کند که اسحاق در حیره داروسازی می‌کرد و گیاهان و مواد دارویی را می‌کوبید تا طبق دستور پزشکان از آن‌ها دارو تهیه کند (۷).

احتمالاً اسحاق علاوه بر کار داروسازی، طبابت هم می‌کرد و نسبت به انجام هر دو کار در آن زمان آشنایی و مهارت داشته است. شاید میل حنین به تحصیل علوم پزشکی ناشی از رفت و آمدهای مکرر او به عطاری پدرش بوده باشد و این زمینه باعث گرایش نهایی اسحاق بن حنین، به فعالیت در حرفه طبابت و داروسازی بوده است. سامرائی از محققین معاصر عراق در کتاب «مختصر تاریخ الطب العربی» می‌نویسد که: اسحاق عبادی پدر حنین در نشان دادن نقش پزشکی حیره از طریق محل کسب و کار پزشکی و داروسازی خود، یعنی جایی که می‌توان از آن به عنوان دارالعلم پزشکی عباد در حیره نام برد، تأثیر به‌سزایی داشت. جایی که اسحاق فرزند عالم و معروفش حنین بن اسحاق عبادی را پرورش داد و نوه‌هایش اسحاق، داوود، حبیش بن حسن اعسم (دخترزاده‌اش) و دانشجویان آن‌ها را به مسیر علوم پزشکی تشویق و هدایت کرد (۸).

خارج شود، به ویژه کراهت داشتند که فرزندان تجار و بازرگانان وارد این حرفه شوند (۷، ۱۱).

حنین که مصمم به کسب علم بود پس از اخراج از نزد یوحنا بن ماسویه، برای فراگیری زبان و طب یونانی، عازم یونان شد و سال‌ها در آنجا به صورت ناشناس زندگی کرد و آنچه را که در توان داشت، برای فراگیری زبان یونانی گذاشت تا برای فراگیری پزشکی آماده شود. حنین به یکی از آشنایان قدیمی‌اش به نام یوسف طبیب درباره فراگیری طبابت گفته است که سوگند خورده تا زمانی که زبان یونانی را کاملاً فرا نگرفته به تحصیل علم پزشکی نپردازد (۱۳-۱۲). حنین به گفته‌اش عمل کرد و پس از فراگیری زبان و دانش پزشکی یونانی بازگشت و این‌گونه خطای آنچه را که یوحنا بن ماسویه درباره‌اش گفته بود، برای او اثبات کرد. سرانجام حنین به مدرسه جندی‌شاپور برگشت و به نزد جبرئیل بن بختیشوع که مناسبات حسنه‌ای با او داشت رفته و چندین کتاب برای او ترجمه کرد (۷).

حنین که مسلط به چهار زبان عربی، سریانی، یونانی و فارسی بود، نخستین کسی است که زبان یونانی را تفسیر و به زبان‌های سریانی و عربی ترجمه کرده است. همین مسأله باعث شد که مأمون عباسی او را به ریاست بیت‌الحکمه بغداد بگمارد و به او دستور دهد تا کتاب‌های حکیمان یونانی را به زبان عربی ترجمه کند (۱۲). حنین بن اسحاق در ترجمه کتب علمی چنان تبحری داشت که در اروپای قرون وسطی به یوانیتس (Johannitus) معروف شده بود (۱۳). او در طول عمرش به سه خلیفه عباسی یعنی مأمون، معتصم و متوکل در زمینه‌های علمی و طبابت خدمت کرد (۱۲، ۱۴).

در زمان حنین بن اسحاق و به همت او ترجمه اصطلاحات پزشکی به زبان عربی چنان توسعه یافت که زبان عربی به زبان بین‌المللی علم پزشکی تبدیل شد (۱۵). حنین ابن اسحاق در واقع بهترین دانش‌آموخته فرهنگ، زبان و دانش پزشکی یونان شد و گستردگی ترجمه‌های حنین، تنوع موضوعات و اهمیت آن‌ها، او را پیشرو انتقال دانش یونانی به تمدن اسلامی و سپس به تمام جهان قرار داد (۱۶). حنین بن اسحاق به

باید گفت که اسحاق عبادی پدر و جد نامداران پزشکی خاندان آل عباد است.

۲-۱. حنین بن اسحاق: زندگی، خدمات و آثار علمی:  
نامدارترین و پر آوازه‌ترین پزشک خاندان آل عباد، ابوزید حنین بن اسحاق عبادی (۲۶۰-۱۹۴ ق.) بود که از طبیبان و مترجمان مشهور مسیحی در قرن سوم قمری و شاگرد یوحنا بن ماسویه و جبرئیل بن بختیشوع بود. او نصرانی و متولد شهر حیره بود (۱۰)، ولی اصل او از نیشابور بود، نصرانیان بین‌النهرین پس از مسلمان شدن مردم مناطق گوناگون بین‌النهرین، در شهر حیره متمرکز شده بودند. حنین به خاطر شهرت و توانایش در طب، جزء پزشکان مخصوص دربار متوکل عباسی قرار گرفت و ریاست گروه پزشکان بغداد را عهده‌دار بود (۷، ۱۲-۱۱).

حنین در زادگاهش حیره و در اسکندریه عراق، عربی را آموخت. او مدتی را در بصره گذراند و در آنجا ادبیات عرب را از خلیل بن احمد فرا گرفت، سپس برای آموزش طب به بغداد نزد یوحنا بن ماسویه رفت (۱۱). پس از آن برای آموزش زبان یونانی به سرزمین روم رفت و هفت سال در آنجا به تحصیل علم پرداخت (۷، ۱۳). بعد از آن مجدداً به بغداد و از آنجا به جندی‌شاپور در سرزمین فارس رفت و از آنجا به سرزمین‌های زیادی مسافرت کرد (۷، ۱۲-۱۱). حنین که تشنه و دلباخته علم بود، در جوانی برای آموزش طب به بغداد نزد یوحنا بن ماسویه رفت و به عنوان داروساز زیر نظر یوحنا مشغول خدمت گردید و همزمان طبابت را نیز نزد او می‌آموخت (۱۱)، ولی ظاهراً سؤالات فراوان او یوحنا بن ماسویه را خسته کرد، به نحوی که روزی به او پرخاش کرد و گفت: «مردم حیره را به طب چه کار؟ برو و در کوی و برزن صرافی کن» و او را در حالی که گریان شده بود، از نزدش بیرون کرد (۱۳). قفطی و ابن ابی‌اصیبه دلیل رفتار یوحنا را اینگونه می‌نویسند که: مردم جندی‌شاپور (از جمله یوحنا)، فقط خودشان را شایسته فراگرفتن دانش پزشکی می‌پنداشتند و تاب تحمل آن را نداشتند که این علم از انحصار آنان و فرزندان و بستگانشان

نویسندگان، حنین بن اسحق آخر ماه صفر سال ۲۶۰ قمری درگذشت (۲۰-۱۷)، ولی ابن اصیبعه، تاریخ وفاتش را، ششم صفر سال ۲۶۴ قمری نوشته است (۱۱).

۱-۱-۲. حنین بن اسحق و چشم پزشکی: حنین علاوه بر اشتغال به کار تألیف و ترجمه، از دوران جوانی به طبابت علاقه داشت و در این کار سرآمد دیگران بود. او در طبابت، به چشم پزشکی علاقه خاصی داشت، به نحوی که حنین بن اسحق برجسته ترین چشم پزشکی عصر خودش بود. او در چشم پزشکی تألیفات ممتازی داشته و کتاب های مهمی نوشته است که برجسته ترین آن ها کتاب «العشر مقالات فی العین» است که شاخص ترین کتاب کحالی نگار از ابتدای تاریخ اسلام تا قرن سوم قمری است. این کتاب توسط چشم پزشک و شرق شناس آلمانی ماکس مایرهوف (Max Meyerhof) در سال ۱۹۲۸ همراه با ترجمه انگلیسی در قاهره منتشر شده است. Meyerhof در مقدمه نوشته است که این کتاب اولین و قدیمی ترین کتابی است که به صورت روشمند در زمینه چشم پزشکی نوشته شده است (۲۱). در واقع کتاب العشر مقالات فی العین حنین بن اسحق از مهم ترین آثار تخصصی چشم پزشکی به روش علمی است. ده مقاله موجود در این کتاب شامل بررسی دقیق ماهیت و ساختار چشم، ماهیت مغز و فواید آن، بررسی عصب بینایی و چگونگی ابصار، ترتیب بیماری های چشمی، علائم و انواع آن ها، علل و عوامل بروز بیماری های چشمی، بیماری های عارض بر پلک و طبقه ملتحمه، دو مقاله درباره اوصاف و کنش های داروهای مفرد است، مقاله دیگر انواع روش های درمانی بیماری های چشمی و مقاله آخر درباره انواع داروهای مرکب در درمان بیماری های چشمی است (۱۱، ۲۴-۲۲).

در اهمیت کتاب ده مقاله حنین باید گفت که از قرون سوم تا هشتم قمری چشم پزشکان باید محتوای کتاب ده مقاله حنین را کاملاً از بر بوده و در نزد محتسب از محتوای کتاب ده مقاله حنین امتحان می دادند (۲۲، ۲۵). همچنین حنین «کتاب العین فی طریق السؤال و الجواب» را درباره چشم پزشکی، برای استفاده پسرانش اسحاق و داوود در حرفه پزشکی تألیف کرد

خاطر علاقه ای که به حرفه پزشکی و تعهدی که نسبت به بیماران از خودش نشان می داد، در بین همکارانش ممتاز بود، به گونه ای که در علم پزشکی از برجسته ترین و شایسته ترین پزشکان عصر خود شد.

هرچند که حنین بعدها در درگاه خلفای عباسی بسیار مقرب و محبوب گردید، باید گفت که او این جایگاه را به سادگی به دست نیاورد، بلکه پس از گذراندن امتحانی بسیار دشوار به این جایگاه رسید و توانست تعهدش به حرفه پزشکی را برای همگان ثابت نماید و بر حرمت عهد و پیمانی که با خود به عنوان طبیب بسته بود که دغدغه اصلی اش رفع آلام انسان ها باشد، صحه گذارد.

متوکل عباسی ظاهراً به منظور آزمایش حنین به او امر کرد که برای یکی از دشمنانش سمی تهیه نماید و او را تهدید کرد که در صورت استنکاف، او را به مجازات سختی (زندان یا مرگ) خواهد رساند، اما حنین امتناع کرد و خلیفه او را یک سال زندانی نمود، پس از آن و برای بار دوم او را بین انجام دستور خلیفه و دریافت پاداش و یا تمرد از دستور خلیفه و شمشیر جلاد مخیر کرد، حنین پاسخ داد: من قبلاً به امیرالمؤمنین عرض کردم که من فقط در تهیه و ساخت داروهای مفید مهارت دارم و علوم مضر را مطالعه نکرده ام و چون خلیفه فوراً او را به مرگ تهدید کرد، حنین گفت اگر خلیفه مرا بکشد، خود را به هلاکت افکنده است، در حالی که پروردگارم در قیامت به من پاداش خواهد داد. متوکل تبسمی کرد و گفت که می خواسته قبل از اعتماد کامل به او، درستی و صداقتش را بررسی و امتحان نماید. حنین که متوجه شد خلیفه قصد بررسی صداقت حرفه ای او را داشته، خشنود شد (۷، ۱۱، ۱۵).

حنین در مجالس خلفا سخنوری خوش زبان بود، نصیحتش پذیرفته و نظرش شنیده می شد. به سرودن شعر و مناظره نویسندگان علاقه داشت، حافظ ایلید هومر بود و شب ها برای انجام تحقیقات علمی، خواندن و نوشتن، بیدار می ماند. از حنین نقل شده است که شب برای نویسنده فرصتی مانند روز است (۲، ۱۰). بنا بر گفته ابن ندیم و بسیاری دیگر از

بوده است (۷، ۱۱، ۳۰-۲۹). همچنین او کتب و مقالات بسیاری مربوط به گیاهان دارویی و انواع داروها را از جالینوس و بقراط، از زبان یونانی به زبان‌های عربی و سریانی ترجمه کرده است که به آن اشاره می‌شود.

۲-۱-۳. آثار علمی **حنین بن اسحق**: حنین بن اسحق ثروت فکری زیادی از میراث بزرگ پزشکی از خود به جای گذاشت، به گونه‌ای که می‌توان گفت او به تنهایی دایره‌المعارف پزشکی عظیمی بود که کتابخانه جهان اسلام را با آثار شگفت‌انگیز خود که تخصص‌های مختلف پزشکی را دربر داشت، غنی کرد. مجموع آثاری را که حنین تألیف، ترجمه و یا بر روند ترجمه آن نظارت داشته است بالغ بر سیصد کتاب و مقاله بوده است، از جمله کتاب‌هایی که او در حوزه علوم پزشکی تألیف و ترجمه کرده است به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

- کتاب‌های تألیفی حنین در حوزه علوم پزشکی عبارتند از: «المسائل فی الطب للمتعلمین»، بعدها حبیش بن اعسم یک مقاله به این کتاب اضافه نموده است، این اثر به زبان لاتین هم ترجمه شده است. کتاب «المدخل إلى الطب» این اثر به زبان‌های لاتین، انگلیسی و عبری ترجمه شده است. کتاب «الأغذیه علی تدبیر الصحه»، کتاب «فی تدبیر الناقهین»، «أسباب الأمراض»، کتاب «فی التاتی إلى شفاء الأمراض»، «فی صفات منافع أعضاء بدن الإنسان»، رساله «تشریح العلل و الأعراض»، «أصناف الحمیات»، کتاب «الأغذیه»، کتاب «الأسنان و اللثة»، «حفظ الأسنان و استصلاحها»، کتاب «فی البول علی طریق المسأله و الجواب»، کتاب «تولد الحصاه»، کتاب «معرفة أوجاع المعده و علاجها»، کتاب «القرح وتولده»، کتاب «المولودین لثمانیه أشهر» که توسط حنین برای یکی از همسران متوکل نوشته است. کتاب «الأخلاق»، رساله فی «المزاج، نوادر الأطباء»، «الفصول البقراطیه» (۷، ۱۱، ۳۱-۳۰).

- کتاب‌ها و آثار ترجمه‌شده توسط حنین بن اسحق در حوزه علوم پزشکی: بیشترین ترجمه‌های حنین در حوزه دانش پزشکی است، او در حوزه پزشکی ۷۵ کتاب به سریانی و ۵۸ کتاب به عربی ترجمه کرده است (۲۶). آثار ترجمه‌شده حنین بن اسحق در حوزه علوم پزشکی شامل ترجمه آثار پزشکی

(۱۱، ۲۶). این اثر در زمینه فیزیولوژی و آسیب‌شناسی چشم به صورت سؤال و جواب می‌باشد. او همچنین مؤلف کتاب سه مقاله است که توسط ادیب «بولیس سباط (Bwlis Sbat)» و مستشرق «Max Meyerhof» در سال ۱۹۳۸ در قاهره تحت عنوان «سؤالاتی در چشم‌پزشکی از حنین بن اسحاق» منتشر شد، این کتاب شامل ۲۰۷ سؤال با جواب بود. همچنین در این کتاب آناتومی، عملکرد و بیماری‌های چشم نیز ارائه شده است (۲۲، ۲۷). کتاب‌های دیگری که حنین بن اسحق در چشم‌پزشکی تألیف نموده است، عبارتند از: «فی ترکیب العین» در مورد ساختار چشم، «فی تقاسیم علل العین» درباره انواع درد چشم و علت‌های آن، «مدواه أمراض العین بالحدید» درباره درمان بیماری‌های چشم با ابزار فلزی و کتاب «اختیار أدویه علل العین» که درباره شیوه انتخاب داروهای گوناگون برای بیماری‌های مختلف چشمی است (۷، ۱۰).

۲-۱-۲. **حنین بن اسحق و داروسازی**: حنین بن اسحاق غیر از مهارت در پزشکی و چشم‌پزشکی، داروسازی موفق هم بوده است. او غیر از شناخت کامل گیاهان دارویی، اطلاعات جامعی هم از مواد شیمیایی و کانی‌های قابل استفاده در ترکیب دارویی، داشته است. حنین از در آثارش از مواد شیمیایی فراوانی مانند آرسنیک و ویتریول (هیدروکلریک اسید)هایی مانند قلقادیس (زاج سفید) که امروزه به نام ویتریول سفید و قلقند (زاج سبز) که ویتریول سبز و اسفیداج (سفیداب)، سرب و توبال (مس)، یاد می‌کند. همچنین او از ترکیبات آهن، مس و اکسیدشدن و خوردگی آن‌ها و همچنین کربنات‌ها و نمک خوراکی و آمونیاک و... اطلاعات کافی داشته و ارائه نموده است (۲۸). حنین کتاب‌های فراوانی هم در زمینه گیاهان دارویی و انواع داروها تألیف کرده است، از جمله «فی أدویه و أشربه بحسب أجناسها»، «فصول فی الأدویه و أشربه مختاره»، «فی الأدویه المسهله»، «اختیار الأدویه المحرقه»، «جوامع معانی الخمس مقالات الأولى من کتب جالینوس فی قوی الأدویه المفرده»، کتاب «التریاق» شامل دو مقاله، اختصار کتاب جالینوس «فی الأدویه المفرده» و کتاب «فی الفرق بین الغذاء و الدواء المسهل» که شامل سه مقاله

زبان عربی ترجمه شد، کتاب «فی أجزاء الطب» ترجمه به زبان سریانی، کتاب «امتحان الأطباء» ترجمه به زبان‌های عربی و سریانی، چکیده تفسیر جالینوس بر کتاب بقراط به نام «فی تدبیر الأمراض الحاده» ترجمه به زبان‌های عربی و سریانی، چکیده تفسیر جالینوس بر کتاب بقراط درباره «جراحات الرأس» ترجمه به زبان سریانی، کتاب «الأسماء الطبيه التي استعمالها الأطباء و على أي المعاني استعمالوها» ترجمه به زبان‌های عربی و سریانی، کتاب «فی علم ارستراتس فی التشریح» تألیف جالینوس ترجمه به زبان سریانی، کتاب «الأمزجه» ترجمه به زبان عربی و برخی کتب دیگر جالینوس که توسط حنین و با همکاری دیگران ترجمه شده است (۱۱)، ۱۴، ۳۲-۲۹).

- ترجمه آثار پزشکی بقراط مثل کتاب «طبیعه الانسان» ترجمه به زبان سریانی، کتاب «الوصفات فی الطب» ترجمه به زبان عربی، کتاب «الأخلاق» ترجمه به زبان سریانی، کتاب «أوجاع النساء» درباره بیماری‌های زنان ترجمه به زبان عربی، «رساله قبریه فی دلائل قرب الموت» درباره انسان محتضر ترجمه به زبان عربی، «تدبیر الأمراض الحاده»، «قاتیپریون» یا «حانوت الأطباء» ترجمه شده به زبان عربی (۱۱، ۳۰-۲۹).

- ترجمه آثار پزشکی سایرین مثل کتاب «الکتب السبعه فی الطب» نوشته بولیس ایجینی ترجمه توسط حنین به زبان عربی، کتاب «الحشائش» نوشته دیسکوریدوس ترجمه به زبان سریانی، این کتاب به زبان فارسی نیز ترجمه شده است، کتاب «فی التأتی لشفاء الأمراض» اثر گلوکین و یا جالینوس ترجمه به زبان عربی، «رساله الطبیبه المعروف بکناش أهرن» این کتاب ابتدا توسط کشیش اهرن بن اعین به زبان سریانی تنظیم و سپس توسط حنین و یوجنا بن ماسویه به عربی ترجمه شد، کتاب «السبعین مقاله» نوشته اورباسیوس توسط حنین و عیسی بن یحیی به زبان سریانی ترجمه شده است (۳۲-۳۰).

- کتاب‌هایی که ترجمه آن‌ها توسط حنین اصلاح شده است مثل کتاب «حرکه الصدر جالینوس» ترجمه استیفان بن باسیل به زبان عربی، کتاب «حرکه العضل جالینوس» ترجمه

جالینوس، بقراط و آثاری که تألیف دیگران است و او ترجمه کرده و یا ترجمه آن‌ها را اصلاح کرده است، از جمله:

- ترجمه آثار پزشکی جالینوس مثل «أساس الطب» ترجمه شده به زبان عربی، «التشریح للمتعلمین» و «اختلاف الأعضاء» ترجمه شده به زبان عربی، کتاب «النبض الصغیر» ترجمه شده به زبان سریانی، کتاب «النبض الکبیر» که شامل هفده مقاله است و با همکاری مؤثر حبیب بن اعسم به زبان عربی ترجمه شده است، «أسباب الأمراض» ترجمه شده به زبان عربی، کتاب «فی الفصد» ترجمه شده به زبان عربی، کتاب «فی أوقات الأمراض» ترجمه شده به زبان سریانی، «قوی الأغذیه»، کتاب «الصناعه الطبیبه» ترجمه به زبان عربی، کتاب «ترکیب الأدوية بحسب المواضع الآلمه» ترجمه به زبان عربی، کتاب «الأدویه المفرده» تألیف جالینوس، ترجمه شده توسط حنین به زبان عربی، اختصار کتاب جالینوس «فی الأدوية المفرده» ترجمه به زبان سریانی، کتاب «ترکیب الأدوية» یا کتاب «الأدویه المركبه» ترجمه به زبان سریانی، کتاب «المنی» تنظیم شده به شکل سؤال و جواب و ترجمه به زبان سریانی، کتاب «فی خصب البدن» ترجمه به زبان سریانی، چکیده کتاب بقراط به نام «فی المولودین لثمانیه أشهر» تألیف جالینوس ترجمه به زبان عربی، «المولودون لسبعه أشهر» ترجمه شده به زبان عربی، کتاب «فی تشریح العین» تألیف جالینوس ترجمه به زبان عربی توسط ایوب رهاوی و تلخیص توسط حنین به زبان سریانی، کتاب «فی الحركات العضل» ترجمه شده به زبان سریانی، کتاب «فی آله الشم» ترجمه به زبان سریانی، کتاب «فی الحركات المعراضه المجهوله» ترجمه به زبان‌های عربی و سریانی، کتاب «ردائه التنفس» درباره تنفس ترجمه به زبان عربی، کتاب «البول» ترجمه به زبان عربی، کتاب «فی الامتلاء» درباره تکامل جنین ترجمه به زبان سریانی، کتاب «فی الذبول» درباره افسردگی ترجمه به زبان سریانی، کتاب «تشریح الحیوان المیت» ترجمه به زبان سریانی، کتاب «تشریح الحیوان الحی» ترجمه به زبان سریانی، کتاب «فرق الطب» ترجمه به زبان عربی، کتاب «فی التجربه الطبیبه» این کتاب توسط حنین به سریانی و توسط حبیب بن اعسم به

لاکلیرک (Laclerc) (۱۸۹۳-۱۸۴۶ م.) درباره حنین می‌گوید: «او برجسته‌ترین شخصیت قرن نهم میلادی و بزرگ‌ترین متفکر و دارای عالی‌ترین اخلاق است و اوست که رنسانس را در شرق پدید آورد» (۸). چشم‌پزشک آلمانی Max Meyerhof (۱۹۴۵-۱۸۷۴ م.) در مقدمه کتاب «ده مقاله درباره چشم» درباره حنین می‌گوید که او یکی از باهوش‌ترین مردان تاریخ و از نظر شخصیت بهترین آن‌هاست و شاید قدرتمندترین شخصیتی بود که در قرن سوم قمری به دنیا آمده است (۸). همچنین ابن صاعد، حنین بن اسحق را یکی از پیشگامان علم ترجمه در تاریخ اسلام برشمرده است (۳۴). جرجی زیدان نیز در کتاب تاریخ تمدن اسلامی حنین بن اسحق را به دلیل فراوانی آثار ترجمه‌شده‌اش او را «شیخ المترجمین» لقب داده است (۳۵).

**۲-۲. اسحق بن حنین:** از دیگر نامداران پزشکی خاندان آل عباد، اسحاق بن حنین عبادی (۲۹۸-۲۱۵ ق.) است که کنیه‌اش ابویعقوب بود. او در خانواده‌ای نسطوری از قبیله عباد و در شهر حیره به دنیا آمد. اسحق مشهورترین فرزندان حنین بن اسحق است، او نیز مانند پدرش پزشک و مترجم آثار علمی یونانی بود. اسحاق علاوه بر زبان عربی با زبان‌های یونانی و سریانی آشنا و به آن‌ها کاملاً مسلط بود و در فن ترجمه از آن دو زبان، به زبان عربی، دست کمی از پدرش نداشت (۷، ۱۱، ۱۷). اسحاق نزد پدرش و نیز پزشکان مصر و انطاکیه دانش پزشکی آموخت و در پزشکی و ترجمه از سرآمدان عصرش شد. خلفای عباسی به ویژه مکتفی بالله به او توجه داشتند و قاسم بن عبیدالله وزیرالمعتضد عباسی به او احترام می‌گذاشت و به او اعتماد کامل داشت (۳۶). اسحاق بن حنین در سن هشتاد و سه سالگی در سال ۲۹۸ قمری، در حالی که زمین‌گیر و فلج شده بود، در بغداد درگذشت (۷، ۱۱، ۳۷).

به نظر می‌رسد که اسحق بن حنین غیر از مترجمی و پزشکی، مفسری زبردست در علوم مرتبط با تشریح پزشکی هم بود، چراکه او به صورت واضح تأثیر خود را بر روی علم آناتومی عصرش باقی گذاشته است، از بارزترین حقایق مربوط به چشم، مواردی است که اسحق در زمینه آناتومی مقایسه‌ای به آن

استیفان بن باسیل به زبان عربی، کتاب «علل النفس جالینوس» ترجمه استیفان بن باسیل به زبان عربی، کتاب «المره و السوداء جالینوس» ترجمه استیفان بن باسیل به زبان عربی، کتاب «حیله البرء جالینوس» چهارده مقاله ترجمه حبیب بن اعسم به زبان عربی و اصلاح شش مقاله نخست آن توسط حنین بن اسحق، کتاب «التشریح جالینوس» ترجمه حبیب بن اعسم، کتاب «منافع الأعضاء جالینوس» ترجمه حبیب بن اعسم به زبان عربی، کتاب «فی علامه البحران جالینوس» ترجمه سرجیس به زبان سریانی، کتاب «الحقن سورانس» ترجمه اسطاس به زبان عربی که توسط حنین بن اسحق اصلاح شده است (۳۳-۳۰).

**۲-۱-۴. فرزندان و شاگردان حنین بن اسحق:** حنین بن اسحق دارای دو پسر به نام‌های اسحاق و داوود بود که رازدار علم پدرشان بودند، هر دو آنان پزشکانی زبردست بودند که در کار پزشکی و طبابت شهرت فراوانی به دست آوردند و از چهره‌های مشهور پزشکی عصر عباسیان شدند (۲، ۷، ۱۱). حنین بن اسحق شاگردان فراوانی نیز تربیت نمود که زیر نظر و راهنمایی او کار می‌کردند برخی از آنان از پزشکان سرشناس عصر خود بودند و برخی هم از مترجمین برجسته عصر نهضت ترجمه به حساب می‌آمدند و در علم پزشکی و دانش ترجمه از درجات بالایی برخوردار بودند. از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان به: اسحق بن حنین (فرزندش)، حبیب بن اعسم (خواهرزاده‌اش)، یحیی بن عدی، عیسی بن یحیی بن ابراهیم، عیسی بن علی، ماسرجیس، عیسی بن ماسرجیس، حجاج بن مطر، موسی بن خالد، ایوب رهاوی، ایوب أبرش، یحیی بن هارون و استیفان بن باسیل اشاره کرد، کاتب مخصوص حنین بن اسحق نیز مردی بود که هرچند نام اصلی او در منابع مشخص نیست، ولی او را به نام آزروق می‌شناخته‌اند (۱۱).

درباره شأن و جایگاه علمی حنین بن اسحق مورخین و نویسندگان اظهار نظرهای جالبی نموده‌اند، از جمله قفطی در کتاب تاریخ‌الحکماء درباره حنین می‌گوید که او شاعری فاضل و سخنوری فصیح بود (۷)، ذهبی حنین را شیخ‌الطیای عراق نامیده است (۱۸). یکی از مستشرقین فرانسوی به نام دکتر

برادرش اسحاق که بیشتر به فلسفه، حکمت و ترجمه آثار پزشکی علاقمند بود، داود بیشتر به حرفه طبابت علاقه داشت (۲، ۷)، هرچند که به اذعان منابع، نسبت به پدر و برادرش شهرت چندانی در این حرفه نداشته است. ابن جلجل اشاره می‌کند که داود عبادی به اندازه پدر و برادرش اسحاق مشهور نبود (۲). ظاهراً داود بن حنین کتابی هم در علم پزشکی نوشته است، ولی نامی از آن در متون برده نشده است، داود در تألیف کتاب توفیق چندانی نیافت (۱۷). ابن ابی‌اصیبه هم در این باره می‌نویسد که داود را در میان اطباء معروف ندیدم و کتابی به جز یک مورد از او باقی نیست که ذکاوت و دانش او را ثابت کند (۱۱).

۲-۴. حکیم بن حنین: حکیم بن حنین نیز از دیگر پزشکان و گیاه‌شناسان خاندان آل عباد است که اطلاعات درباره او بسیار اندک و ناکافی است، با این حال مشخص است که او چشم‌پزشک و داروشناس حاذقی بوده که در قرن سوم قمری می‌زیسته است، به نحوی که زکریای رازی (۳۱۳-۲۵۶ ق.) در زمینه چشم‌پزشکی مطالب بسیاری از او گرفته و در کتاب معروف خود «الحاوی فی طب» در موارد متعددی به این امر اشاره کرده است (۴۱). رازی موارد مربوط به معالجه حدقه چشم و درمان چشم‌درد و عفونت در پلک چشم و درون چشم را از او گرفته است (۴۱). همچنین رازی مباحثی درباره درمان تومورهای چشم (۴۱) و رفع سایه چشم را نیز از او اخذ نموده است (۴۱). ابن بیطار نیز از حکیم بن حنین در ذیل کلمه «انیسون» روایتی آورده است، مبنی بر اینکه استفاده از انیسون در درمان بیماری مزمن چشم مؤثر است (۴۲). به نظر می‌رسد که حکیم بن حنین در چشم‌پزشکی و داروشناسی از مهارتی بالا و حذاقتی جامع برخوردار بوده است، ارجاع متعدد زکریای رازی به او و روایت ابن بیطار حکیم از او، به نوعی اثبات‌کننده این مدعاست. در خصوص اینکه حکیم ابن حنین پسر حنین بن اسحق عبادی باشد، تشکیک شده است، چراکه در مورد حنین مشخص شده است که او تنها دو پسر به نام‌های اسحاق و داود داشته است (۸).

اشاره کرده است. به عنوان مثال او پس مشاهدات دقیق دریافت که عضله سه سر، که در پشت چشم حیوانات قرار دارد، در چشم انسان وجود ندارد، این در حالی است که علما و پزشکان یونانی پیش از او، به آن توجه نکرده بودند (۳۸)، ابن خلکان در کتاب وفيات الأعیان درباره اسحاق بن حنین گفته است که او یگانه زمانش در علم طب بود و در ترجمه و در علم زبان‌ها و فصاحت در آن‌ها هم مانند پدرش علاقمند بود (۳۹)، به گونه‌ای که اسحاق کار پدرش حنین عبادی را با سرپرستی گروهی متشکل از نود مترجم ادامه داد (۴۰). علیرغم تمرکز فعالیت‌های اسحاق در زمینه تألیف، او علاقه خاصی به ترجمه کتاب‌های یونانی به ویژه در زمینه‌های فلسفی و پزشکی داشت. همچنین او کتاب‌های پزشکی گوناگونی هم به رشته تحریر درآورده است که بالغ بر ده کتاب می‌باشد، از جمله:

«الأدویه المفردة»، توسط نیکلا دمشقی به زبان لاتین ترجمه شده است، «الأدویه الموجودة فی کل مکان»، «إصلاح الأدویه المسهله»، «الرساله الصافیه فی أدویه النسیان»، «تاریخ الأطباء والحکماء» که توسط روزنتال (Rosenthal) به زبان انگلیسی ترجمه شده است، «کتاب فی النبض علی جهه التقاسیم»، «کتاب معرفه البول»، «مختصر کتاب صناعه العلاج بالحدید»، «التریاق»، «جوامع کتاب جالینوس» (۷، ۳۶). اسحاق بن حنین آثار بسیاری هم ترجمه کرده است، از جمله بیست و دو کتاب که به همراه حبیب بن أعسم ترجمه کرده است. از جمله کتب پزشکی که او ترجمه کرده است به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: کتاب «الحیاه لحفظ الصحه لجالینوس»، کتاب «فی آلات الشم لجالینوس» ترجمه‌شده به زبان عربی، کتاب «فی المراتب قرائه کتب جالینوس» ترجمه‌شده به زبان عربی، «جوامع کتب بقراط الصحیه و غیر الصحیحه» ترجمه‌شده به زبان عربی، کتاب «أفکار أروستراتوس فی مداواه الأمراض» ترجمه‌شده به زبان سریانی و کتاب «وصیه بقراط» (۱۱، ۳۱-۲۹).

۲-۳. داود بن حنین: یکی دیگر از پزشکان خاندان آل عباد داود بن حنین فرزند حنین بن اسحاق عبادی است. داود نیز مانند پدر و برادرش به حرفه پزشکی مشغول بود. برخلاف

خاندان جزء پزشکان نامدار قرن سوم قمری بودند و خدمات ارزشمندی در حوزه‌های مختلف علمی، به ویژه در علوم پزشکی و تألیف و ترجمه آثار پزشکی از زبان‌های یونان و سریانی به تمدن اسلامی نموده و به انتشار دانش عمومی بهداشت و علم پزشکی کمک شایانی کرده‌اند.

در این خاندان نوابغی مانند حنین بن اسحاق عبادی و پسرانش اسحاق بن حنین و داود بن حنین و خواهرزاده‌اش حبیب بن اعسم و همچنین حکیم بن حنین ظهور و بروز یافتند. پزشکان خاندان آل عباد دارای ویژگی‌ها و ممیزاتی بودند که آنان را از همکارانشان متمایز می‌کرد، از جمله ممیزات پزشکان آل عباد این بود که به زبان‌های علمی عصرشان، یعنی زبان‌های یونانی، سریانی، عربی و فارسی مسلط بودند و علم پزشکی را از طریق منابع یونانی، سریانی، فارسی و عربی می‌آموختند و با انجام کار عملی در کنار پزشکان جندی‌شاپور، دانش پزشکی خود را ارتقا می‌دادند.

از دیگر ممیزات پزشکان خاندان آل عباد اینکه تنها به آموزش و طبابت اکتفا ننموده و به مطالعه، تحقیق و آزمایش عملی اقدام می‌کردند و دانش پزشکی را در حد یافته‌های جدید خود ارتقا می‌دادند. همچنین پزشکان نامدار خاندان آل عباد اخلاق پزشکی را به حداکثر وجه آن رعایت می‌کردند (که از جمله موارد آن، امتناع حنین از ساخت زهر به سفارش خلیفه متوکل و پذیرش تبعات آن بود).

همچنین از دیگر ممیزات پزشکان نامدار آل عباد علاقه خاص آنان به تخصص چشم‌پزشکی بود، به نحوی که یافته‌ها و اقدامات عملی آنان در حوزه چشم‌پزشکی به عنوان مرجعی در چشم‌پزشکی مورد رجوع و استناد پزشکان و داروسازان برجسته معاصر و حتی قرون بعد، همچون زکریای رازی و ابن بیطار و دیگران بودند.

از دیگر ممیزات مهم پزشکان خاندان آل عباد اینکه با تألیف، ترجمه و تصحیح متون علمی در حوزه‌های مختلف به ویژه حوزه علوم پزشکی، اهتمام جدی به گسترش و پیشرفت علوم مختلف خصوصاً علوم پزشکی از خود نشان می‌دادند و این‌گونه خدمات ارزشمندی به تمدن اسلامی و حتی جهان ارائه کردند

۲-۵. حبیب بن حسن اعسم: یکی دیگر از نامداران پزشکی در خاندان آل عباد حبیب بن حسن اعسم دمشقی (متوفی پس از ۲۶۴-۲۶۰ ق.)، خواهرزاده و شاگرد حنین بن اسحق عبادی است، حبیب پزشک و داروشناسی مسیحی و از پرکارترین مترجمان آثار سریانی به عربی بوده است (۷). او در دمشق به دنیا آمد، ولی در حیره و در منزل دایی خود حنین بن اسحق رشد و نمو یافت. ظاهراً به دلیل کژی یا مشکلی که در ساعد دست حبیب یا پدرش بوده، او را اعسم می‌گفتند و با این لقب می‌شناختند (۴۳). رشد و شکوفایی حبیب به واسطه ملازمت با حنین و خدمت در دربار خلفایی چون متوکل عباسی و جانشینان او در میانه قرن سوم قمری بود که او را به یکی از برجسته‌ترین مردان و پزشکان قرن سوم قمری تبدیل کرد. حبیب در ترجمه بسیاری از آثار پزشکی به عربی به همراه حنین بن اسحاق، مشارکت داشت تا اینکه او یکی از برجسته‌ترین دستیاران حنین در ترجمه شد (۴۴). بسیاری از آثار منسوب به حنین در واقع از آن حبیب است (۸، ۳۶، ۴۶-۴۵). قفطی می‌نویسد که بعدها نویسندگان و مورخین، بسیاری از آثار حبیب را به دلیل کیفیت و ترجمه خوب آثارش و اینکه تفاوت چندانی با آثار حنین بن اسحق نداشت، به حنین نسبت داده‌اند، به این شکل که نام او را پاک کرده و نام حنین را بر آن آثار می‌نوشتند و این‌گونه باعث اشتباه و گمراهی دیگران هم شدند (۷). حبیب بیشتر به خاطر ترجمه آثار علمی فراوانش شهرت داشت، او بیشتر کتاب‌های پزشکی و آثار جالینوس و تعدادی از کتاب‌های بقراط را نیز ترجمه کرده است (۴۷)، از جمله آثار حبیب می‌توان به «إصلاح الأدویه المفردة المسهله»، «الأدویه المفردة»، «الاستسقاء»، «الزیاده لمسائل التی لحنین بن اسحاق»، «الغذیه»، ترجمه کتاب «الحیاه» از بقراط، ترجمه «الفواکه» از جالینوس اشاره نمود (۷، ۳۷).

### نتیجه‌گیری

خاندان آل عباد، از جمله خاندان‌های مسیحی نامدار در حوزه علوم پزشکی در تمدن اسلامی بود که تعدادی از افراد آن

و به گسترش مرزهای دانش هم در قلمرو دانش پزشکی و هم سایر علوم کمک شایانی نمودند.

### مشارکت نویسندگان

رضا دشتی تمامی مراحل این پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

### تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

### تأمین مالی

هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

### ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

## References

1. Jan Ahmadi F. History of Islamic Culture and Civilization. 3rd ed. Qom: Maaref Publishing Office; 2009. p.110, 121. [Persian]
2. Ibn Jaljal S. Tabaqat al-Atab'a wa al-hokama. Research by Sayyid F. Cairo: French Scientific Promise Press for Eastern Works; 1955. p.63, 65, 69, 71. [Arabic]
3. Masahib GH. Persian Encyclopedia. 3rd ed. Tehran: Pocket Books Company (affiliated to Amir Kabir Publications); 2002. Vol.1 p.872. [Persian]
4. Daryae T. Iranshahr cities. Translated by Jalilian SH. Tehran: Toos Publications; 2009. p.39. [Persian]
5. Stayeshgar M. Dictionary of Iranian Music. Tehran: Information Publications; 2002. p.383. [Persian]
6. Azarnoosh A. Ways of Persian Influence in Pre-Islamic Arabic Culture and Language. 3rd ed. Tehran: Toos Publications; 2009. p.145-150. [Persian]
7. Qofti A. Tarikh al-Hokama. Research by Libert J. Leipzig-Germany: No Name; 1903. p.80, 171-177. [Arabic]
8. Samaree K. Tarikh tab al-Arabi. Baghdad: Dar al-Hurriya Liltbaeh; 1985. Vol.1 p.43-44, 261, 439, 462, 465. [Arabic]
9. Habi Y. Hanin bin Ishaq. Baghdad: Press of al-Lugha al-Syriaiya Complex; 1974. p.11. [Arabic]
10. Samir KS. Hunayn Ibn Ishaq. Journal al-Mashriqa al-Sanatah. 1997; 17(2): 345-364. [Arabic]
11. Ibn Abi Osaibaeh. Oyun al-Anba fi Tabaghat al-Ateba. 1st ed. Cairo: Al-Wahbiya Press; 1881. p.46, 184-201. [Arabic]
12. Shatti AS. Tarikh tab wa Adab wa Aalameh. Damascus: Tarbin Press; 1967. p.214-215. [Arabic]
13. Brown E. Islamic Medicine. Translated by Rajabnia M. Tehran: Book Translation and Publishing Company; 1958. p.37-38. [Persian]
14. Amini F. Hunayn Ibn Ishaq. Science and Technology. 2007; 40: 97-101. [Persian]
15. Ziab M. Al-Tab wal-Atabba. Cairo: Egyptian School of Prophecy; 1970. p.7, 47. [Arabic]
16. Alouji AH. Tarikh al-Tab al-Iraqi. Baghdad: Al-Arshad Press; 1967. p.18. [Arabic]
17. Ibn Nadim AM. Al-Fihrast. Research by Flojl A. Beirut: Maktab Khiyat; No Date. p.41-49, 429. [Arabic]
18. Zahabi MA. Al-Abr fi Khabar min Ghobr. Research by Sayyid F. Kuwait: Department of Press and Publishing; 1961. Vol.1 p.373; Vol.2 p.20. [Arabic]
19. Ibn Athir A. Al-Kamil fi al-Tarikh. Beirut: Dar Sader - Dar Beirut; 1965. Vol.7 p.274. [Arabic]
20. Ibn Jozi AR. Al-Muntazam. Research by Atta MAQ. Beirut: Dar al-Kitab al-Almiyeh; 1992. Vol.12 p.160. [Arabic]
21. Hanin Ibn Ishaq. Al-Ashar Moghalat fi al-Ain. Attempt by Max Meyerhoff. Cairo: No Name; 1928. p.7. [Arabic]
22. Khattab FF. Al-Kahala Aand al-Arab. Baghdad: Dar al-Hurriya liltbaeh; 1975. p.15, 24-25. [Arabic]
23. Amini F. Ishaq bin Hanin. Science and Technology. 2006; 29: 78-83. [Persian]
24. Ghasemi E. Ophthalmology in the Islamic period. Qom: Cultural Office for the Disabled; 2017. p.105-106. [Persian]
25. Muntazir Alqayim A, Najaran M, Alizadeh B. The role and position of Hanin Ibn Ishaq and Ibn Sina in the evolution of ophthalmological knowledge. Scientific Journal the History of Islamic Culture and Civilization. 2021; 12(45): 155-172. [Persian]
26. Hashemi SA. The opinions and effects of Hunayn bin Ishaq. Journal of History of Science. 2003; 5: 38-58. [Persian]
27. Hanin Ibn Ishaq. Al-Masa'il fi al-Ain. Attempt by Bolis Sabat and Max Meyerhoff. Cairo: Oriental Archaeological Institute; 1938. [Arabic]
28. Ta'i FA. Al-Wajiz fi al-Saha wa al-Kimia Aand al-Arab. Baghdad: Dar al-Hurriya Liltbaeh; 1986. p.18. [Arabic]
29. Sezgin F. History of Arabic Writings. Attempt by the Book House. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2001. Vol.3 p.118, 343-364. [Persian]
30. Soltani YK. Atab'a Al-Kufa. Al-Kufa Magazine. Kufa: Tasddar an Amanah Al-Kufa Mosque; 2011. p.346-370. [Arabic]
31. Aram A & Other. Scientific biography of Islamic scientists. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company; 2005. p.329, 399, 421. [Persian]
32. Velayati AA, Shams Ardakani MR, Mokhber Dezfuli MR, Ghassemlou F. Dynamics of Islamic Culture and Civilization of Islam and Iran. Tehran: Amir Kabir Publications; 2014. Vol.2 p.1075. [Persian]

33. Ahmed AHA. Al-Earab waldirasat albibliujrafia juhud: Hunayn Ibn Ishaq. Al-Mawrod Magazine. 2008; 35(3): 21-34. [Arabic]
34. Ibn Sa'ed SAA. Tabaqat Ummam. Research by Sheikh L. Beirut: No Name; 1912. p.36. [Arabic]
35. Zidane G. Tarikh al-Temadon al-Islamic. Egypt: Al-Hilal Press; 1931. Vol.3 p.145. [Arabic]
36. Badri AL. Al-Tab Aand al-Arab. Baghdad: Dar al-Hurriya Liltbaeh; 1978. p.59. [Arabic]
37. Tahami GR. The Culture of Announcing the History of Islam. 3rd ed. Tehran: Anteshar Co; 2008. Vol.1 p.116, 884; Vol.2 p.1358. [Persian]
38. Khairullah A. Al-Tab al-Arabi. Translated by Abi Izz al-Din. Beirut: No Name; 1941. p.169. [Arabic]
39. Ibn Khalqan AIM. Wafayat alaeiyan wa'anba' 'abna' alzaman. Research by Mohi-ud-Din M. Cairo: Al-Saada Press; 1948. Vol.1 p.185. [Arabic]
40. Fayyaz M. Ahadyth ean aleilm w aleulama'i. Baghdad: Dar al-Hurriya Liltbaeh; 1986. p.133. [Arabic]
41. Razi MIZ. Al-Hawi fi al-Tib. Hyderabad: Matbueat Dayiruh al-Maearif al-Euthamaniyh; 1960. Vol.20 p.2, 7; Vol.21 p.33, 143, 317. [Arabic]
42. Ibn Bitar MA. Aljamie limufradat al-Aduyh wa al-Aghdhayhi. Beirut: Dar al-Ketab al-Alamayh; 1992. Vol.1 p.82. [Arabic]
43. Khalil Ibn Ahmad. Al-Ain. Attempt by Makhzumi M, Samarai I. Qom: No Name; 1984. Vol.1 p.346. [Arabic]
44. Hashemi SA. Hanin Ibn Ishaq Translation School. Journal of History of Science. 2002; 4: 23-46. [Persian]
45. Qasim MM. Khasayis madarusih Hunayn Ibn Ishaq fi altarjamih. Al-Mawrod Magazine. 2009; 36(2): 66-73. [Arabic]
46. Fuad ywsif Q. Al-Ketab almuhaqiquh min musanafat w tarjumat alealam alhukym hanybn ashaq. Al-Mawrod Magazine. 2005; 32(1): 99-104. [Arabic]
47. Mili A. Al-Eilm eind al-Earab wa atharuh fi tawatwur al-Ealam al-Ealami. Translated by Al-Najjar A, Yusuf Musa M. Matbueat Jamieih al-Duwal al-Earabiyh. Cairo: Dar al-Qalam; 1962. p.142. [Arabic]